

## جلسه اول و دوم آسیب شناسی اجتماعی

مدرس: علی نوری

### مقدمه

واژه آسیب از رشته زیست‌شناسی وام گرفته شده است. به عبارتی؛ در این دیدگاه، جامعه به بدن انسان یا یک موجود زنده تشبیه می‌شود که یک بخش یا بخش‌هایی از آن دچار آسیب یا بیماری شده است. بنابراین همانطور که پزشک تلاش می‌کند بیماری را تشخیص و آن را درمان نماید، مدیران و برنامه ریزان جامعه هم به شناخت آسیب‌های اجتماعی و درمان آنها اقدام می‌کنند. روشن است که در این دیدگاه معیارشناسایی آسیب‌ها، هنجارها و ارزش‌های جامعه است که تخطی از آن توسط افراد و گروه‌های اجتماعی، آسیب دانسته می‌شود. لذا می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی توسط مدیریت سیاسی و نظام حاکم تشخیص داده می‌شود و شامل رفتارهایی است که خارج از چارچوب‌های ارزشی مسلط، در جامعه بروز پیدا می‌کند. می‌توان گفت که این شیوه برخورد، سطحی نگر و ناکارآمد است؛ زیرا به جای پرداختن به عوامل به وجود آورنده آسیب اجتماعی، توجه خود را به آسیب معطوف می‌کند و برای مقابله با آن به صرف بودجه و برنامه ریزی می‌پردازد. شواهد این ناکارآمدی را می‌توان در نحوه برخورد با آسیب‌های اجتماعی ایران در سال‌های اخیر مشاهده کرد. در حالی که نهادهای اجرایی و حاکمیتی در سال‌های اخیر در عالی‌ترین سطوح، موضوع آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، خودکشی و... را مورد توجه قرار داده و برای کاهش یا حل آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ اما این آسیب‌ها نه تنها کاهش نیافته، بلکه نرخ و تعداد آنها روبه افزایش بوده است. علت این امر؛ نپرداختن به مسائل اجتماعی است که عامل به وجود آورنده این آسیب‌ها هستند. به عنوان نمونه؛ ریشه آسیب‌هایی مانند اعتیاد، فقر و خودکشی در جامعه، مسأله‌ای به نام وضعیت بحرانی اقتصاد و گسترش بیکاری است. لذا مادامی که جامعه نتواند مسأله بیکاری را حل کند یا کاهش دهد، آسیب‌های ناشی از آن کاهش نخواهد یافت.

وانگهی در برخی موارد ممکن است یک موضوع واقعاً آسیب اجتماعی نباشد. و به غلط، آگاهانه یا ناآگاهانه توسط متخصصان یا مدیران جامعه آسیب معرفی شود. به عنوان نمونه: ازدواج زودهنگام دختران در جامعه امروز ایران، با هیچ‌یک از معیارهای علمی آسیب‌شناسی اجتماعی، آسیب اجتماعی شناخته نمی‌شود، اما برخی سعی می‌کنند آن را آسیب جلوه دهند و ممکن است میزانی از انرژی و بودجه جامعه را هم به خود مشغول کند. بنابراین در شناخت و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، لازم است مسأله‌ای که آن را ایجاد کرده شناخته و با آن مقابله شود. در این راستا، شناخت مسائل مهم‌تر جامعه که مبدأ و ایجادکننده چندین آسیب به‌طور همزمان هستند، اهمیت بیش‌تری می‌یابد.

جامعه ایران، با جمعیت ۸۰ میلیون نفری و سرزمینی پهناور، مانند سایر جوامع، دارای مسائل مختلفی از قبیل مسایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، بین‌المللی و... است. در این میان، به نظر می‌رسد مسائل اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند؛ زیرا بسیاری از مسایل را می‌توان زیرمجموعه آنها و یا مرتبط با مسایل اجتماعی دانست، مسایل اجتماعی به تعداد قابل

توجهی از افراد جامعه مربوط می‌شوند و جامعه توقع حل آنها را دارد. در عین حال، تک‌تک افراد، حل آنها را نیازمند اقدامی مؤثر از جانب خود یا دیگران می‌دانند، احساس می‌کنند باید برای حل این مسائل اقدام فوری صورت گیرد و نسبت به مسأله حساس اند.

رویکرد ما در پرداختن به مسائل اجتماعی، متمرکز بر یافتن راه‌حل‌هاست؛ زیرا صرف آسیب‌شناسی و بیان مشکلات و تأکید بیش از اندازه بر آن، یأس و ناامیدی در جامعه ایجاد می‌کند و انرژی و توان جامعه را برای حل مسائل خود از بین می‌برد. به صاحب‌نظران گرامی پیشنهاد می‌شود چنانچه راهکارهایی برای برون رفت از این مسائل اجتماعی می‌شناسند به طرح و بیان آن بپردازند و زمینه گفتگو درباره راه‌حل‌ها را فراهم کنند. امید است با تلاش فراگیر، گفتمان حل مسأله، جایگزین گفتمان فعلی آسیب‌شناسی شود.

### رفتار انحرافی

انحراف، هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق یا سازگار نباشد. به عبارت دیگر، انحراف، دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی‌کنند. ما معمولاً انحراف را به رفتاری که جنبه منفی دارد، اطلاق می‌کنیم. مانند بزهکاری، اما فردی که قدم فراتر از معیارهای جامعه می‌گذارد، نیز می‌تواند رفتارش انحراف محسوب شود.

رفتار انحرافی و عمل منحرف با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف می‌شوند. رفتار و عملی که ممکن است در یک موقعیت خاص قابل قبول باشد، ممکن است در جاهای دیگر غیرقابل قبول باشد؛ برای مثال افسر پلیسی که به یک قاتل فراری تیراندازی می‌کند و او را می‌کشد، ممکن است به دلیل شجاعتش مدال افتخار بگیرد ولی در مقابل، فرد جنایتکاری که در هنگام دزدی به شخصی تیراندازی می‌کند و بی‌دلیل او را می‌کشد، در معرض مجازات شدید قرار می‌گیرد که در قانون پیش‌بینی شده است.

### انواع انحرافات

**انحرافات نخستین یا ابتدایی؛** در پاره‌ای موارد فرد به اعمال انحرافی دست می‌زند، اما این انحراف ممکن است گذرا و تصادفی باشد، به این نوع حالات خاص، انحرافات نخستین یا ابتدایی گویند. مثال انحراف ابتدایی؛ زیر پا گذاشتن قوانین راهنمایی و رانندگی، فرار از پرداخت مالیات و ...

**انحراف ثانوی؛** انحراف ثانوی، مرحله اصلی انحراف است که فرد به‌طور مشخص رفتار انحرافی از خود نشان می‌دهد و در دید مردم این فرد، منحرف محسوب می‌شود. مثال انحراف ثانوی؛ دزدها، دائم‌الخمرها، قاچاقچیان مواد مخدر و ...

**انحراف فردی؛** وقتی فردی به تنهایی از هنجارهای خرده فرهنگ خود منحرف می‌شود، دارای انحرافات فردی است. مثال انحراف فردی؛ دزد سرقت‌های کوچک و بزرگ

**انحراف گروهی؛** گروهی از افراد که به‌صورت دسته جمعی، برخلاف هنجارهای مورد قبول جامعه عمل می‌کنند؛ عمل آن‌ها را انحراف گروهی گویند. مثال انحراف گروهی؛ شبکه‌های گلدکوئیست، باندهای قتل‌های زنجره‌ای و ...

### تبیین زیست شناختی انحراف (تبیین جسمانی)

در گذشته عامل زیست شناختی را علت ارتکاب جرم می‌دانستند و معتقد بودند که انحراف با عوامل زیست‌شناختی مانند نقص جسمانی و الگوهای کروموزومی در ارتباط است. که مطابق این نظریه ظاهر افراد، شکل جمجمه و اختلالات کروموزومی می‌تواند عامل بروز رفتار انحرافی باشد. اما این نظریه از پشتوانه علمی اندکی برخوردار است.

**تبیین روان شناختی:** مطابق این دیدگاه، عوامل روانی مانند شخصیت یا میزان هوش افراد در ارتکاب آنان به رفتارهای انحرافی اثرگذار است. به نظر فروید هرگاه فرد نتواند درمقابل امیال غریزی مقاومت کند یا وجدان او به درستی او را راهنمایی نکند ممکن است دچار اعمال انحرافی شود. همچنین این دیدگاه هوش افراد را عاملی برای انحراف به حساب می‌آورد و معتقد است افرادی که از هوش کم‌تری برخوردارند ممکن است بیش‌تر به رفتار انحرافی سوق پیدا کنند.

### تبیین رفتار انحرافی از دید جامعه‌شناسی

از دید جامعه‌شناسان، افرادی که به‌صورت صحیحی اجتماعی نشده‌اند، هنجارهای فرهنگی را یاد نگرفته‌اند و بدین‌سان قادر نیستند بین رفتار فرهنگی مناسب و نامناسب تمایز قائل شوند. از طرف دیگر جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از صورت‌کجروی از یک فرد به فرد دیگر منتقل می‌شود. اعتقاد دیگر درخصوص انحراف، تبیین نتیجه نارسایی‌های موجود بین فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه است، براین اساس هر جامعه نه فقط به لحاظ فرهنگی دارای اهداف مجاز و معینی است، بلکه افزون برآن، به لحاظ اجتماعی نیز دارای ابزارهای تأیید شده‌ای برای رسیدن به آن اهداف است. هرگاه فرد به این وسایل دست پیدا نکند، احتمال بروز رفتار انحرافی و کجروی برای او، وجود خواهد داشت.

### نظریه تأثیر معاشرت

این نظریه را "ادوین ساترلند" ارائه کرده است و براین اساس معتقد است برای آن‌که شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد. او این فرضیه را تا آنجا پیش برد که می‌گوید این آموزش، حاصل کنش و واکنش با افراد دیگر است. غالباً افراد هم با افراد و گروه‌های منحرف و هم با افراد و گروه‌های غیرمنحرف برخورد می‌کنند. ساترلند کنش متقابل میان این گروه‌ها را برحسب فراوانی، اولویت، دوام و شدت ارتباط با یکدیگر مورد سنجش قرار می‌دهد.

### نظریه بی‌هنجاری (آنومی)

"امیل دورکیم" مفهوم بی‌هنجاری را وارد جامعه‌شناسی کرد. بی‌هنجاری، وضعیتی است که براساس آن در جامعه هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند، بنابراین او بی‌ریشه و بی‌اساس عمل می‌کند. این حالت زمانی ایجاد می‌شود که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار باشد.

"رابرت. ک. مرتن" چهار نوع رفتار انحرافی را در شرایط (تضاد بین اهداف مورد تأکید جامعه و وسایل مشروع و قانونی دستیابی به آن اهداف) مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

**نوآوری:** نوآوری یا ابداع هنگامی رخ می‌دهد که فرد اهداف فرهنگی را پذیرفته، اما وسایل اجتماعی مورد قبول برای دستیابی به اهداف را نپذیرفته است. مثلاً دستبرد دزدان به بانک‌ها برای افزایش ثروت به جای کار آبرومند.

**رسم‌پرستی:** رسم‌پرستی هنگامی رخ می‌دهد که شخص وسایل فرهنگی مرسوم و پذیرفته را تأیید می‌کند، اما خود هدف را نمی‌پذیرد. مثلاً پرستاری که به جای پذیرش فوری بیمار به کارهای تشریفاتی پذیرش از قبیل فرم و . . . می‌پردازد.

**انزواجویی:** انزواجویی هنگامی رخ می‌دهد که فرد هم اهداف تأیید شده فرهنگی و هم وسایل رسیدن به آن اهداف را طرد می‌کند. مثلاً معتاد موادمخدر که خود، خانواده و . . . را رها می‌نماید.

**طغیان:** طغیان وقتی رخ می‌دهد که اهداف تأیید شده فرهنگی و وسایل دستیابی به آن هر دو طرد می‌شوند و فرد می‌خواهد اهداف و وسایل جدیدی را جایگزین نماید. مانند گروه‌های فشار

### **خرده فرهنگ منحرف**

بخش مهمی از رفتارهای انحرافی معمولاً در چهارچوب گروه منحرف انجام می‌شود. غالباً کسانی که در یک انحراف شریک هستند، برای دو هدف دور هم جمع می‌شوند: یکی حمایت متقابل و دیگری فراهم آوردن جوی که در آن بتوانند رفتار انحرافی خود را بروز دهند. خرده فرهنگ منحرف به شیوه رفتار، ارزش‌های غالب و تفاهم متقابل گفته می‌شود که بین اعضای یک جمع مشترک است، اما جامعه رسمی آن‌ها را نمی‌پذیرد. معمولاً افرادی که از سوی جامعه طرد می‌شوند در جستجوی پیوستن به خرده فرهنگ بوده، تا شاید در آن گروه جایگاه، منزلت، رفاه و پذیرش مطلوب را پیدا کنند.